

بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان

مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر

غلامعباس توسلی، ابوالفضل مرشدی

این مقاله مبنی است بر چارچوب نظری پیتر برگر^۱ که از منظر سازه‌گرایی اجتماعی به تبیین وضعیت دینداری و گرایش‌های دینی در جوامع در حال گذار می‌پردازد. با توسعه نهادهای مدرن در جوامع در حال توسعه نه تنها نسبت نهاد دین با دیگر نهادهای اجتماعی دستخوش تحول می‌شود، بلکه مجموعه آگاهی‌های همراه با نهادهای مدرن سطح و شیوه دینداری افراد را نیز تغییر می‌دهد. در این مقاله سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان فنی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حاملان آگاهی مدرن^۲ (جهان‌بینی علمی یا ذهنیت فنی)، مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های تجربی در این مقاله حاکی از آن است که باورهای دینی دانشجویان در حد بالا و پایبندی آن‌ها به انجام دادن مناسک فردی دینی در حد متوسط به بالایی است، اما پایبندی آن‌ها به انجام دادن اعمال جمعی دینی در حد کم ارزیابی می‌شود. همچنین گرایش به دین خصوصی، برخورد گزینشی با دین و گرایش به تکثرگرایی دینی رواج زیادی بین دانشجویان دارد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد داده‌های تجربی تا حدودی مؤید دیدگاه نظری مطرح شده در این مقاله است.

مفاهیم کلیدی: سازه‌گرایی، دینداری، تکثرگرایی، گزینش‌گری و ترجیح، دین خصوصی.

1. Peter Berger

2. modern consciousness carriers

مقدمه

در محافل علمی، جامعه ایران جامعه‌ای مذهبی شناخته می‌شود و تقریباً تمام پژوهش‌های اجتماعی صورت گرفته برای سنجش دینداری ایرانیان مؤید این ادعاست. با این حال، تحلیل‌های نظری بیانگر آن است که در جوامع در حال گذر دینداری یکی از متغیرهای اجتماعی است که دستخوش تحولات گسترده‌ای می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳؛ برگر، ۱۹۶۷). دینداری در جامعه ایران هم از این تحول مستثنی نیست. برگر این تغییرات را نخستین بار در مهم‌ترین نهادهای حامل مدرنیته (اقتصاد، صنعت، دولت و...) دنبال می‌کند (برگر، ۱۹۶۷ و ۱۳۸۱) و دانشگاه که کارکرد تولید علم و فناوری را در جامعه بر عهده دارد به‌زعم وی، یکی از حاملان مدرنیته محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان دانشجویان را یکی از حاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه در نظر گرفت که بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرند. این بدین معنی نیست که با رواج آگاهی مدرن در بین دانشجویان ضرورتاً از سطح دینداری آن‌ها کاسته می‌شود، اما به احتمال زیاد نوع نگرش آن‌ها به دین و گرایش‌های دینی آن‌ها تغییر می‌کند.

برخی مطالعات و پژوهش‌هایی که در ایران در مورد سطح دینداری دانشجویان و گرایش‌های دینی آن‌ها صورت گرفته به همین امر اشاره دارد. سراج‌زاده و جواهری (۱۳۸۰) در پژوهشی با نام «سنجش نگرش و رفتار دانشجویان» نشان داده‌اند که ۷۸ درصد از دانشجویان در حد زیاد، ۲۰/۵ درصد در حد متوسط و ۱/۵ درصد در حد کم دیندار هستند. به بیان دیگر، ۹۶ درصد افراد در بعد اعتقاد دینی، ۷۲ درصد در بعد تجربه دینی، ۶۰ درصد در بعد پیامد دینی و ۴۱ درصد در بعد مناسک دینی در سطح قوی هستند. میرسندسی (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان» که سه بعد مناسکی، اعتقادی و تجربی دینداری دانشجویان را مورد مطالعه قرار داده است نشان می‌دهد که میزان دینداری دانشجویان در ابعاد اعتقادی و تجربی بالا و پایبندی آن‌ها به اعمال فردی دینی در حد متوسط به بالاست. غیاثوند (۱۳۸۰) در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی فرآیند جامعه‌پذیری دینی جوانان» نشان داده که ۵۶/۶ درصد دانشجویان در حد زیاد، ۲۰/۷ درصد در حد متوسط و ۱۹/۸ درصد در حد کم دیندار هستند. مرجایی (۱۳۷۹) هم در پژوهش خود با عنوان «بررسی ایمان دینی و دین‌گرایی دانشجویان» میزان دینداری دانشجویان را در حد بالا ارزیابی می‌کند.

تقریباً عمده مطالعاتی که در زمینه سنجش سطح دینداری دانشجویان صورت گرفته شامل مطالعه شیوه دینداری آن‌ها نیز بوده است. از جمله میرسندسی (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که ۵۰ درصد پاسخ‌گویان دین را یک امر خصوصی می‌دانند و ۶۷ درصد بر این باورند که زندگی جدید بازنگری در برخی از رفتارها و اعتقادات را ناگزیر ساخته است. پژوهش سراج‌زاده و جواهری

(۱۳۸۲) نشان می‌دهد که ۴۳/۳ درصد دانشجویان خود را مسلمان عادی، ۲۸ درصد مسلمان نواندیش، ۱۶ درصد مسلمان انقلابی و ولایتی و ۹/۵ درصد مسلمان شناسنامه‌ای اعلان کرده‌اند. اسماعیلی (۱۳۷۹) در پژوهش خود با عنوان «آسیب‌شناسی فرهنگی دانشگاه‌های ایران»، که جامعه آماری آن را صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل دانشگاهی در دانشگاه‌های سراسر کشور تشکیل می‌دهند، استدلال کرده که سطح دینداری دانشجویان رو به کاهش نیست بلکه نگاه و انتظار دانشجویان از دین در حال تغییر است، به طوری که دین در حال تغییر مکان از حوزه عمومی به حوزه خصوصی است و ساحت‌های عرفانی و کلامی دین در حال سبقت بر ابعاد فقهی آن است. رجب‌زاده (۱۳۷۹) نیز در پژوهشی با نام «دانشگاه، دین، سیاست» نشان داده است که با افزایش گرایش دانشجویان به علم، گرایش آن‌ها به دین سنتی و باور آن‌ها به مرجعیت روحانیت و مناسک دینی کاهش می‌یابد. و علی‌زاده شالندهی (۱۳۸۰) نیز در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان «رویکرد دینی و فرهنگ سیاسی دانشجویان» نشان داده است که دانشجویان کارشناسی ارشد عرفی‌تر از دانشجویان مقطع کارشناسی هستند و هر چه فرد به لحاظ سیاسی وفاق‌گراتر و مشارکت‌جو تر باشد، عرفی‌تر خواهد بود. علی‌زاده (۱۳۸۳) هم در رساله خود با عنوان «عوامل مؤثر بر عرفی شدن دانشجویان» گرایش‌های دینی دانشجویان را متنوع ارزیابی می‌کند.

آنچه در این مقاله مدنظر است ارزیابی میزان و گرایش‌های دینی دانشجویان از منظر نظری پیتر برگر (سازه‌گرایی اجتماعی^۱) است. به عبارت دیگر، در پی آنیم تا از منظر نظری پیتر برگر به تفسیر داده‌های مربوط به میزان دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان بپردازیم.

چارچوب نظری

آلفرد شوپس جامعه‌شناس با الهام از آرای ادموند هوسرل، فیلسوف پدیدارشناس جامعه‌شناسی پدیداری را بسط و گسترش داد. این رهیافت در کتاب معروف ساخت اجتماعی واقعیت^۲، ۱۳۷۵ از پیتر برگر^۳ و توماس لاکمن^۴ با آرای هربرت مید، وبر، دورکیم، و مارکس ترکیب شد و آنچه رهیافت سازه‌گرایی اجتماعی نامیده می‌شود ساخته و پرداخته شد. این رهیافت سپس توسط پیتر برگر در کتاب سایبان مقدس^۵، ۱۹۶۷ در مورد دین، و توسط پیتر برگر

1. Social Constructionism

2. *Social Construction of Reality*

3. Peter Berger

4. Thomas Luckmann

5. *Sacred Canopy*

و دیگران در کتاب ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی^۱، ۱۳۸۱ در مورد فرآیند توسعه و نوسازی در کشورهای در حال توسعه بسط یافته است. همین رهیافت است که بنیان نظری این مقاله را شکل می‌دهد.

در این رهیافت، به جامعه به مثابه دیالکتیکی بین واقعیت‌های عینی و معانی ذهنی نگریسته می‌شود؛ یعنی تعاملی دوسویه بین آنچه به‌عنوان واقعیتی بیرونی تجربه می‌شود (به‌طور مشخص، نهادهایی که فرد با آن‌ها مواجه می‌شود) و آنچه به‌عنوان آگاهی درونی فرد به فهم در می‌آید. این رهیافت به تبعیت از جامعه‌شناسی آلفرد شووتس و فلسفه ادوموند هوسرل، آگاهی^۲ را مفهوم مرکزی خود قرار داده است و واقعیت تام اجتماعی را دارای مؤلفه اساسی آگاهی می‌داند (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۵) و وظیفه جامعه‌شناسی شناخت را ربط دادن ساخت‌های آگاهی به نهادها و فرآیندهای نهادین می‌داند (همان، ۲۹).

به‌زعم برگر و لاکمن، در هر جامعه‌ای لازم است فرآیندهایی وجود داشته باشد که بتوانند به معانی، که قبلاً درون نهادهای مختلف جامعه به‌وجود آمده‌اند، در نظامی وسیع‌تر وحدت بخشند و آن معانی را یگانه کنند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۱۲۹). آن‌ها این فرآیند را توجیه‌گری^۳ می‌نامند. توجیه‌گری می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد: از ساختار زبانی و واژگانی که در هر حوزه نهادی در جامعه شکل می‌گیرد تا ضرب‌المثل‌ها و پندهای اخلاقی، و نظریه‌های صریحی که توسط صاحب‌نظران هر جامعه‌ای ارائه می‌شود. اما قلمروهای نمادی کلان‌ترین سطح توجیه‌گری در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. این قلمروها مجموعه‌هایی از سنت‌های نظری هستند که حوزه‌های مختلف معنی را با هم یگانه می‌کنند و نظام نهادی جامعه را در کلیتی نمادی^۴ در بر می‌گیرند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۱۳۴).

در جوامع سنتی، دین این نقش را عهده‌دار بود. یعنی دین سببانی از نمادها را به منظور یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه و تجربیات مختلف افراد گسترانیده بود. به بیان دیگر، دین در این جوامع به‌عنوان ساختاری شناختی و هنجاری عمل می‌کرد که نظم طبیعی و اجتماعی موجود را به نظامی کیهانی و مقدس مرتبط و از این طریق احساس «بودن در کاشانه» را در جهان هستی برای انسان فراهم می‌کرد (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۷). در این جوامع معانی، ارزش‌ها و باورهای گوناگون رایج در جامعه نهایتاً از طریق تفسیری جامع درباره واقعیت، که زندگی انسان را به نظام هستی ربط می‌داد، یکپارچه می‌شد. بنابراین همه فرآیندهای نهادی در

1. *The Homeless Mind: Modernization and Consciousness*

2. consciousness

3. legitimation

4. symbolic totality

جامعه و همه تجربیات افراد نمادها و باورهای دینی را تأیید می‌کردند: یعنی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی جامعه، نهاد دین از منزلت بالایی برخوردار بود و قوانین و قواعد دینی جاری و ساری بود. همچنین کنش‌های روزمره مردم به صورت مستقیم و غیرمستقیم نمادها و تعاریف دینی را تأیید می‌کرد و اگر هم افرادی بودند که در این تعاریف و نمادها تردید روا می‌داشتند معمولاً در حاشیه جامعه قرار می‌گرفتند و کمتر موفق می‌شدند توده‌های مردم را تحت تأثیر خود قرار دهند.

اما با تقسیم کار گسترده در جوامع جدید و تخصصی شدن امور (دورکیم، ۱۳۸۱) و به وجود آمدن نهادها و ساختارهای اجتماعی جدید، زیست‌جهان‌های^۱ متعددی در جامعه شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، جامعه با چندگانه شدن^۲ زیست‌جهان‌ها مواجه می‌شود و وظیفه قدیمی دین مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد (برگر، ۱۳۸۱: ۷۳). از این پس بخش‌های مختلف جامعه و به تبع آن تجربیات گوناگون افراد، تحت اداره نظام‌های معنایی متفاوت و گاه متضادی در می‌آیند و دین از جای دادن این نظام‌های معنایی در درون کلیت نمادین فراگیر که خود ساخته و پرداخته کرده باز می‌ماند. به علاوه، حتی مقبولیت معانی و باورهای دینی در درون آگاهی فرد نیز مورد تردید قرار می‌گیرد. همزمان با این‌که بخش‌های مختلف جامعه تحت سیطره زیست‌جهان‌های متعدد در می‌آید، فرد نیز در زندگی روزمره خود پیوسته با دیگرانی روبه‌رو می‌شود که در زیست‌جهان‌های دیگری به سر می‌برند و لذا لزوماً نمادها و تعاریف دینی او را تأیید نمی‌کنند و حتی گاهی آن‌ها را انکار می‌کنند.

اولین پیامد این وضعیت متکثر برای حوزه دین خصوصی شدن آن است (برگر، ۱۳۸۱: ۸۷)؛ وقتی فرد متوجه می‌شود ابراز کردن عقاید و باورهایش مورد تأیید دیگران قرار نمی‌گیرد و حتی ممکن است موجبات تمسخر یا کشمکش با دیگران را فراهم کند (به عبارتی، ابراز باورها و عقایدش هزینه اجتماعی و روانی زیادی برایش دارد)، اولین واکنش وی این خواهد بود که عقاید و باورهایش را در عرصه عمومی و اجتماع بروز ندهد. با افزایش تعداد افرادی که چنین رویکردی را در پیش می‌گیرند، دین گام به گام از عرصه عمومی جامعه رخت برمی‌بندد، یعنی نه تنها نمادها و تعاریف دینی از واقعیت در عرصه عمومی جامعه کمتر مطرح می‌شوند، بلکه اساساً در مورد آن‌ها کمتر بحث می‌شود (چون احتمال این‌که در مورد آن‌ها

۱. life-worlds، رشته‌ای از معانی را که به فرد اجازه می‌دهد تا راه خود را از میان رویدادهای معمولی زندگی‌اش با دیگران به پیش برد آگاهی زندگی روزمره گویند. کل این معانی که فرد در آن‌ها با دیگران سهیم است یک زیست‌جهان اجتماعی خاص را می‌سازد.

2. pluralization

توافقی حاصل شود بسیار کم است و بنابراین افراد ترجیح می‌دهند به موضوعاتی بپردازند که احتمال همگرایی در آن بیشتر است). این وضعیت به کاهش نفوذ دین در جامعه منجر می‌شود و در نهایت دین تسلط خود را بر جامعه از دست می‌دهد و عرصه عمومی تحت سیطره عقاید و ایدئولوژی‌های مدنی‌ای درمی‌آید که فاقد محتوای دینی‌اند یا غالباً اشاره‌ای مبهم به دین دارند. در این وضعیت دین نه تنها دیگر قادر به یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه نیست، بلکه از یکپارچه کردن تجربیات افراد، به ویژه آن دسته از تجربیات افراد که در ارتباط با عرصه عمومی جامعه است باز می‌ماند. با این حال، دین همچنان جایگاه مهم خود را در زندگی خصوصی افراد حفظ می‌کند. یعنی اولاً، دین همچنان نقش مشروعیت‌بخشی خود را برای نهادهای خصوصی جامعه - به ویژه نهاد خانواده - حفظ می‌کند و ثانیاً، تجربیات افراد در حوزه‌های خصوصی را در نظامی معنی‌دار و یکپارچه قرار می‌دهد. اما تعاریف دین از واقعیت در نبود تأیید دائمی عمومی خصلت قطعی خود را از دست می‌دهند و به موضوعاتی «انتخابی» بدل می‌شوند. با ورود عنصر «ترجیح^۱» و «گزینش‌گری» در حوزه دین، در عرصه عمومی جامعه، تفاسیر مختلفی از دین ظهور می‌یابند «بازار دین» و در سطح آگاهی ذهنی افراد انواع سبک‌های دینداری پدید می‌آید (برگر، ۱۳۸۱: ۸۸). این وضعیت باعث تضعیف تسلط دین بر جامعه و متکثر شدن واقعیت - هم اجتماعی و هم ذهنی - دین می‌شود.

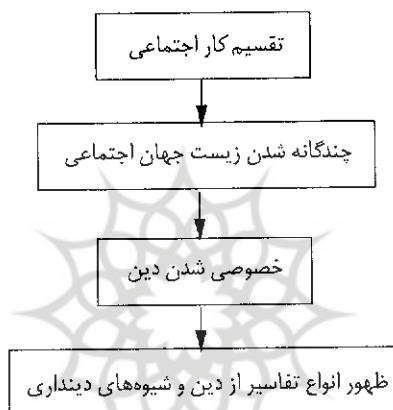
برگر در دوره اول نظری خود، یعنی در کتاب *سایبان مقدس* این فرایند را فرایندی می‌داند که در نهایت منجر به نابودی دین در جهان مدرن می‌شود. هر چند وی شواهد و استدلال‌های خود را در رابطه با دین مسیحیت ارائه می‌کرد، اما تلویحاً سرنوشت همه ادیان را در جامعه مدرن همان سرنوشت دین مسیحیت می‌داند (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۵-۱۷۱). این نظر در دهه‌های بعد مورد تجدید نظر خود وی قرار گرفت^۲ (برگر، ۱۳۸۰). وی ایده اساسی عرفی شدن که ریشه در عصر روشنگری داشت، یعنی همبستگی فرایند نوسازی^۳ و فرایند عرفی شدن و برگشت‌ناپذیر بودن این فرایند، را مورد تردید قرار داد (برگر، ۱۳۸۰: ۱۸). او در این دوره نظری خود، استدلال می‌کند که در دنیای جدید دین به همان اندازه گذشته و شاید پویاتر و پر حرارت‌تر به حیات خود ادامه می‌دهد (همان: ۱۸). به‌زعم وی، نه کشورهای بی‌دین در آن‌ها به صورت زنده و پویا حیات دارد، بلکه اروپای غربی که فرایند عرفی شدن در آن یک روند غالب است یک استثنا

1. preference

۲. بروس (Steve Bruce) در مقاله‌ای با عنوان «موردی عجیب از بازپس‌گیری غیر ضروری: برگر و عرفی شدن» (۲۰۰۱) ضمن انتقاد از چرخش نظری پیتر برگر، دلایل برگر را برای این چرخش ناکافی می‌داند.

3. modernization

در دنیای امروز است^۱ (همان: ۲۵). برگر، اما، همچنان ویژگی متکثر وضعیت مدرن را مسئله‌ای جدی برای دین می‌داند (وودید، ۲۰۰۱: ۲). این وضعیت به نابودی دین نمی‌انجامد اما به ظهور آن چه وی «بازار دین» می‌نامد منجر می‌شود. به بیان خود برگر، «تکثرگرایی^۲ بر چگونگی^۳ باور دینی اثر دارد، اما نه لزوماً بر چیستی^۴ آن» (برگر، ۲۰۰۱: ص ۱۹۴). در این وضعیت متکثر انواع تفاسیر از دین و انواع دینداری (سبک‌های دینداری) در عرصه عمومی ظهور خواهند یافت که در این میان تفسیر سنتی از دین و سبک سنتی دینداری یکی از تفسیرهای بانفوذ خواهد بود (برگر، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳).



شکل شماره ۱: شمایی ساده از مباحث نظری برگر

و اما در ایران؛ از آنجا که هنوز نهادهای مدرن کاملاً تثبیت نشده‌اند و فرایند تقسیم کار اجتماعی و تخصصی شدن امور هنوز به صورت کامل طی نشده، لذا نمی‌توان گفت جامعه ما با پدیده چندگانه شدن زیست جهان‌های اجتماعی به طور کامل روبه‌روست و دین از عرصه عمومی رخت پرسته و کاملاً خصوصی شده است. اما می‌توان انتظار داشت که جامعه ایران تا حدی با این پدیده روبه‌رو شده باشد و جوانه‌هایی از این پدیده به وجود آمده باشد. یعنی به ویژه در بخشی از افراد جامعه که با نهادهای مدرن بیشتر در ارتباط هستند، از جمله دانشجویان،

۱. دانیل هروی لگر (Hervieu-Leger) در مقاله‌ای با عنوان «محدودیت دوگانه ایده عرفی شدن» (۲۰۰۱) به بررسی این موضوع می‌پردازد که با حضور گسترده و عمیق عناصر و مؤلفه‌های دین مسیحیت در فرهنگ اروپایی تا چه حد می‌توان این فرهنگ را فرهنگ عرفی شده قلمداد کرد.

2. Pluralism

3. the how

4. the what

باورهای دینی تا حدی خصلت قطعی خود را از دست داده باشند و به موضوعاتی انتخابی بدل شده باشند. به بیان دیگر، عنصر ترجیح و گزینش‌گری در حوزه دینداری آن‌ها وارد شده باشد. در واقع هدف اصلی این پژوهش سنجش میزان ورود این عناصر به حوزه دینداری دانشجویان به‌عنوان قشری که بیشترین تماس را با آگاهی مدرن دارند است. بنابراین می‌توان سؤالات اصلی تحقیق را چنین طرح کرد:

- سطح دینداری دانشجویان در ابعاد اعتقادی و مناسکی (فردی و اجتماعی) چقدر است؟
- میزان گرایش دانشجویان به دین خصوصی به چه میزان است؟
- تا چه حد برخورد گزینشی با دین در بین دانشجویان رواج دارد؟
- تکثرگرایی دینی در بین دانشجویان تا چه حد رواج دارد؟
- آیا عواملی چون سن، جنس، سال ورود به دانشگاه، پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان در سطح دینداری و انواع گرایش‌های دینی آن‌ها اثر دارد؟
- تا چه حد جریان‌های فکری و اجتماعی در بین دانشجویان مؤید ظهور تفاسیر مختلف از دین هستند؟

روش تحقیق

مفهوم دینداری^۱ یا پایبندی دینی^۲ در مطالعات تجربی دین یکی از مفاهیم و متغیرهای چالش‌برانگیز است، به طوری که در تعریف عملیاتی آن افراد مختلف بنا به تعاریف مختلفی که از دین دارند شاخص‌ها و ابعاد مختلفی را برای آن در نظر گرفته‌اند (سراج‌زاده، ۱۳۸۳). اما از میان همه تعاریف عملیاتی که از مفهوم دینداری ارائه شده، تعریف عملیاتی مورد نظر گلاک و استارک بیش از همه مورد توجه و قبول پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. گلاک و استارک دینداری را مفهومی متصور شده‌اند که شامل پنج بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی، دانش دینی و پیامدی است (همان: ۶۳)

بعد اعتقادی باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. بعد مناسکی یا عمل دینی اعمال دینی مشخص مثل عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص و... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین به‌جا آورند در بر می‌گیرد. بعد تجربی یا عواطف دینی تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجود مقدس را شامل می‌شود. بعد دانش دینی اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس را که انتظار

1. religiosity

2. religious involvement

می‌رود پیروان آن‌ها بدانند شامل می‌شود. بعد پیامدی یا آثار دینی شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است.

اما تحقیقات بسیاری که برای سنجش این پنج بعد انجام شده نشان از همبستگی نسبتاً بالا بین آن‌ها دارد، بنابراین پژوهشگران از میان پنج بعد پیشنهاد شده توسط گلاک و استارک دو بعد اعتقادی و مناسکی را بیش از سایر ابعاد به کار گرفته‌اند (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۴). در تلاشی برای ارائه مدلی برای سنجش دینداری در ایران، شجاعی‌زند با فرض سه بعد وجودی برای انسان (ذهن، روان و تن) سه بعد معرفتی، عاطفی و عملی را متناسب با سه بعد وجودی انسان در نظر می‌گیرد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴). در این مقاله برای سنجش سطح دینداری دانشجویان به سنجش دو بعد اعتقادی و بعد مناسکی اکتفا می‌شود، به‌ویژه این‌که برگر نیز در تعریف خود از دین این دو بعد را برجسته می‌سازد (برگر ۱۹۶۷: ۲۵-۴۵).

از آن‌جا که دین اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه ما اسلام و مذهب غالب آن‌ها مذهب تشیع است، لذا آنچه در این رساله از دین مراد می‌کنیم دین اسلام و مذهب تشیع است. بنابراین باورها و مناسک این مذهب سنجیده شده است. و آنچه از دین اسلام و مذهب تشیع مراد می‌کنیم مجموعه باورها، مناسک و اعمالی است که نهاد روحانیت مبلغ آن است و در محافل آکادمیک به‌عنوان «دین سنتی» شناخته می‌شود.

برای سنجش گرایش‌های دینی دانشجویان از چارچوب نظری مقاله بهره جستیم. در بخش نظری دیدیم که برگر ضمن توصیف روند متکثر شدن واقعیت اجتماعی اولین پیامد این وضعیت متکثر را برای حوزه دین خصوصی شدن آن دانست. او همچنین بر این نظر است که باورهای دینی در نبود تأیید دائمی عمومی خصلت قطعی خود را از دست می‌دهند و به موضوعاتی انتخابی بدل می‌شوند. با ورود عنصر ترجیح و گزینش‌گری در حوزه دین، در عرصه عمومی جامعه تفاسیر مختلفی از دین ظهور می‌یابند (بازار دین)، و در سطح آگاهی ذهنی افراد انواع سبک‌های دینداری پدید می‌آید.

بنابراین با هدف عملیاتی کردن نظرات برگر در این حوزه سه مفهوم «گرایش به دین خصوصی»، «برخورد گزینشی با دین» و «تکثرگرایی در دین» را از آرای وی اخذ کردیم و با تعریف عملیاتی آن‌ها مورد سنجش قرار دادیم. در تعریف عملیاتی مفهوم «گرایش به دین خصوصی» از سه گویه ۱. عدم نیاز دین به متولی، ۲. اداره جامعه با تکیه بر عقل، و ۳. وابستگی پاکی انسان به نیت او استفاده کردیم. در تعریف عملیاتی مفهوم «تکثرگرایی در دین» از سه گویه ۱. دوستی و ارتباط با افراد با مذهب متفاوت، ۲. مناقات دینداری با گوش دادن به موسیقی‌ها و فیلم‌ها، و ۳. عدم اهمیت نوع مذهب در رسیدن به حقیقت استفاده کردیم.

در تعریف عملیاتی مفهوم «برخورد گزینشی با دین» از چهار گویه ۱. انجام ندادن احکام شرعی ناموجه (از نظر عقل)، ۲. توان خود فرد در تشخیص گناه از غیر گناه، ۳. تطابق دادن آموزه‌های دینی با عقل انسان امروزی و ۴. مراجعه به عقل به جای مراجعه به توصیه‌های دینی در زندگی استفاده کردیم.

برای جمع‌آوری داده‌ها از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه بهره جستیم، به این ترتیب که از پاسخ‌گویان خواستیم نظر خود را در مورد هر یک از گویه‌ها بر روی یک طیف ۵ قسمتی از نوع لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) اعلان کنند. سپس از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل نتایج پیمایش استفاده شد. برای بررسی پایایی^۱ متغیرها هم از روش پایداری درونی (ضریب آلفا) استفاده شد. یعنی با بررسی ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها و محاسبه ضریب آلفای نسبتاً بالایی آن‌ها انسجام درونی بالای گویه‌ها تأیید شد (جدول زیر).

ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها

گویه‌ها	باور دینی	پایبندی به اعمال فردی دینی	پایبندی به اعمال جمعی دینی	گرایش به دین خصوصی	برخورد گزینشی با دین	تکنیک‌گرایی در دین
ضریب آلفای کرونباخ	۰/۶۹	۰/۸۷	۰/۷	۰/۷۲	۰/۸۴	۰/۷۴

برای بررسی اعتبار^۲ گویه‌ها از اعتبار ظاهری^۳ استفاده شد. به این ترتیب که کلیه گویه‌ها توسط چند تن از اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی مورد بررسی و تأیید آن‌ها قرار گرفت.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی امیرکبیر تشکیل می‌دهند. از آن‌جا که این تحقیق در یک دانشگاه خاص انجام شده، لذا در تعمیم نتایج این تحقیق به کل دانشجویان باید احتیاط زیادی شود. تعداد کل جامعه آماری مطابق آمار اعلان شده توسط معاونت آموزشی این دانشگاه ۶۰۰۳ نفر می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده کردیم که با ملحوظ داشتن $t = 1/96$ و $p = 0/5$ تعداد حجم نمونه ۳۸۵ نفر تعیین شد. در این پژوهش از طرح نمونه‌گیری طبقه‌بندی (از بین دانشکده‌های مختلف و براساس تفکیک جنسیتی) استفاده شد که در نتیجه از کل نمونه آماری ۲۹۸ نفر (۱۷۳

1. Reliability
3. face validity

2. validity

نفر مرد و ۱۲۵ نفر زن) در مقطع کارشناسی و ۸۷ نفر (۶۳ نفر مرد و ۲۴ نفر زن) در مقطع کارشناسی ارشد انتخاب شدند.

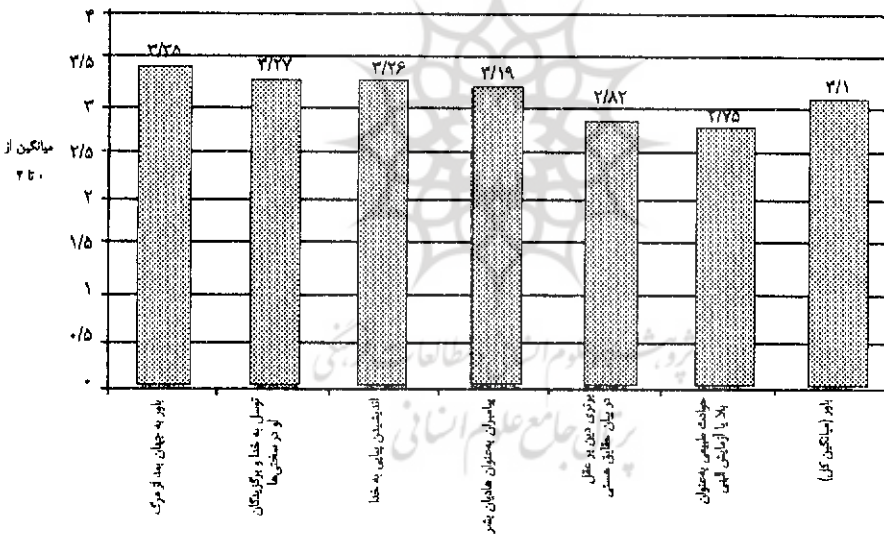
یافته‌های توصیفی پژوهش

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که باور دینی دانشجویان را می‌توان در حد بالایی ارزیابی کرد (میانگین ۳/۱ از ۴)، به طوری که نیمی از دانشجویان (۴۹/۵ درصد) دارای باور دینی قوی، ۴۴/۸ درصد دارای باور دینی متوسط و تنها ۵/۷ درصد دارای باور دینی ضعیف یا عدم باور به اعتقادات دینی هستند. پایبندی دانشجویان به اعمال فردی دینی نیز در حد متوسط است (میانگین ۱/۹۲ از ۴). به عبارت دیگر، ۱۳/۷ درصد دانشجویان اصلاً هیچ‌کدام از اعمال فردی دین را به‌جانی آورند، ۱۳/۹ درصد به میزان کم، ۳۷/۹ درصد در حد متوسط و ۳۲/۷ درصد در حد زیاد این اعمال را به‌جا می‌آورند. از میان اعمال فردی دینی پایبندی دانشجویان به اقامه نماز و گرفتن روزه بالاتر از حد متوسط است (نماز با میانگین ۲/۶۸ از ۴ و روزه با میانگین ۲/۱۶ از ۴). به طوری که ۶۴ درصد از دانشجویان همیشه یا اکثر اوقات نماز می‌خوانند و ۷۲ درصد آن‌ها همه یا اکثر روزه‌هایشان را می‌گیرند. و ۱۸ درصد از دانشجویان اعلان کرده‌اند که اصلاً نماز نمی‌خوانند و ۱۹ درصد هم اصلاً روزه نمی‌گیرند. رفتن به زیارت (با میانگین ۱/۷۵ از ۴)، خواندن دعاها و زیارت‌نامه‌ها (با میانگین ۱/۵۷ از ۴) و خواندن قرآن (با میانگین ۱/۴۷ از ۴) در مراتب بعدی قرار دارند. ۴۰ درصد از دانشجویان هر سال حداقل یک‌بار به زیارت می‌روند و ۲۵ درصد اصلاً به زیارت نمی‌روند. ۳۸ درصد از دانشجویان اعلان کرده‌اند که ماهانه حداقل یک‌بار دعا یا زیارت‌نامه‌های وارد شده در دین را می‌خوانند و ۳۵ درصد اصلاً این‌گونه دعاها و زیارت‌نامه‌ها را نمی‌خوانند. ۴۷ درصد از دانشجویان اعلان کرده‌اند که ماهانه حداقل یک‌بار قرآن می‌خوانند و ۲۸ درصد هم اعلان کرده‌اند که اصلاً قرآن نمی‌خوانند.

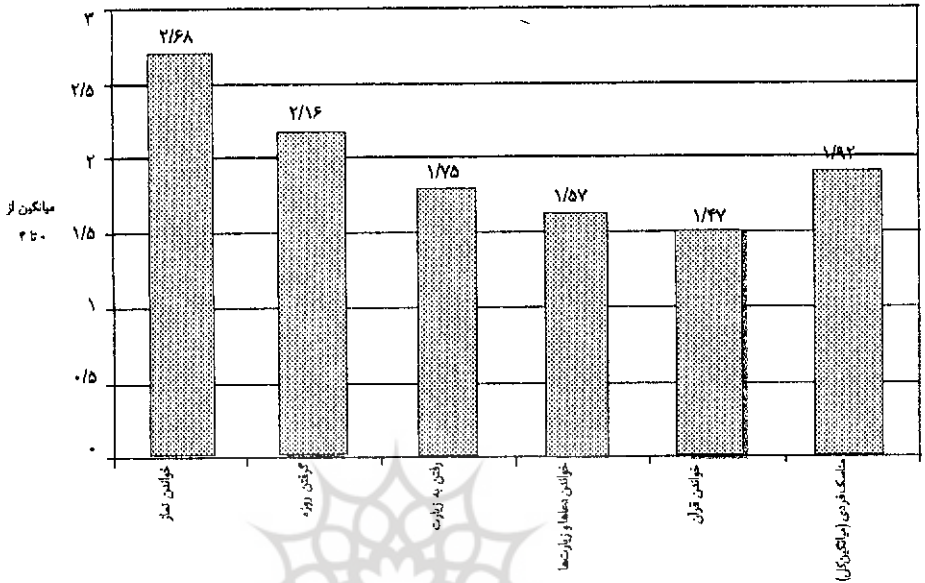
جدول شماره ۱. سطح دینداری دانشجویان و گرایش‌های دینی آن‌ها

زیاد (قوی)	متوسط	کم (ضعیف)	اصلاً	میانگین (۰-۴)	
۴۹/۵	۴۴/۸	۵/۲	۰/۵	۳/۱	باور دینی
۳۲/۷	۳۷/۹	۱۳/۹	۱۳/۷	۱/۹۲	پایبندی به اعمال فردی دینی
۱۳	۲۰	۳۸	۲۹	۰/۹۶	پایبندی به اعمال جمعی دینی
۲۶	۴۳	۳۱	—	۲/۰۷	گرایش به دین خصوصی
۲۱	۵۰	۲۹	—	۱/۹۸	برخوردگزی‌نشی با دین
۵۵	۳۴	۱۱	—	۲/۷۸	تکنرگرایی در دین

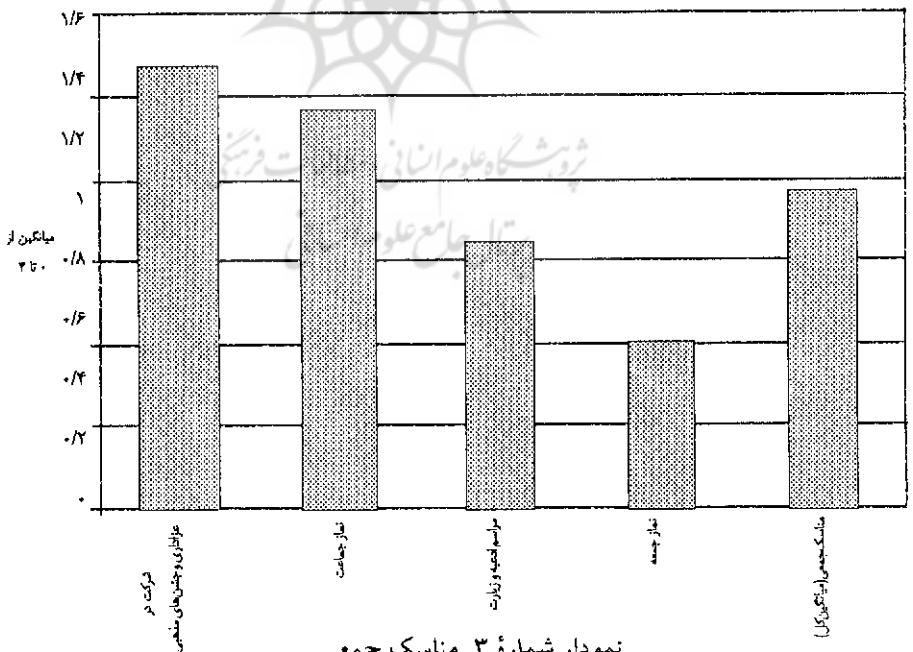
بنابر نتایج پژوهش، پایین‌دستی دانشجویان به اعمال جمعی دینی ضعیف است (میانگین ۰/۹۶ از ۴). به بیان دیگر، ۲۹ درصد از دانشجویان اصلاً هیچ‌کدام از اعمال جمعی دینی را انجام نمی‌دهند و ۳۸ درصد این اعمال را کم انجام می‌دهند. در میان اعمال جمعی دینی شرکت در مراسم عزاداری و جشن‌های مذهبی (با میانگین ۱/۳۸ از ۴) از بیشترین و شرکت در نماز جمعه (با میانگین ۰/۵۲ از ۴) از کمترین میزان استقبال بین دانشجویان برخوردار است. به بیان دیگر، ۳۳ درصد از دانشجویان اصلاً در مراسم عزاداری یا جشن‌های مذهبی شرکت نمی‌کنند و ۲۷ درصد تنها ماه‌های محرم و رمضان در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، ۶۹ درصد دانشجویان اصلاً به نماز جمعه نمی‌روند و ۱۶ درصد هم به‌ندرت به نماز جمعه می‌روند. در مورد نماز جماعت هم ۴۸ درصد دانشجویان اصلاً به نماز جماعت نمی‌روند و تنها ۱۹ درصد هر هفته حداقل یک‌بار به نماز جماعت می‌روند (میانگین ۱/۰۵ از ۴).



نمودار شماره ۱. باور دینی



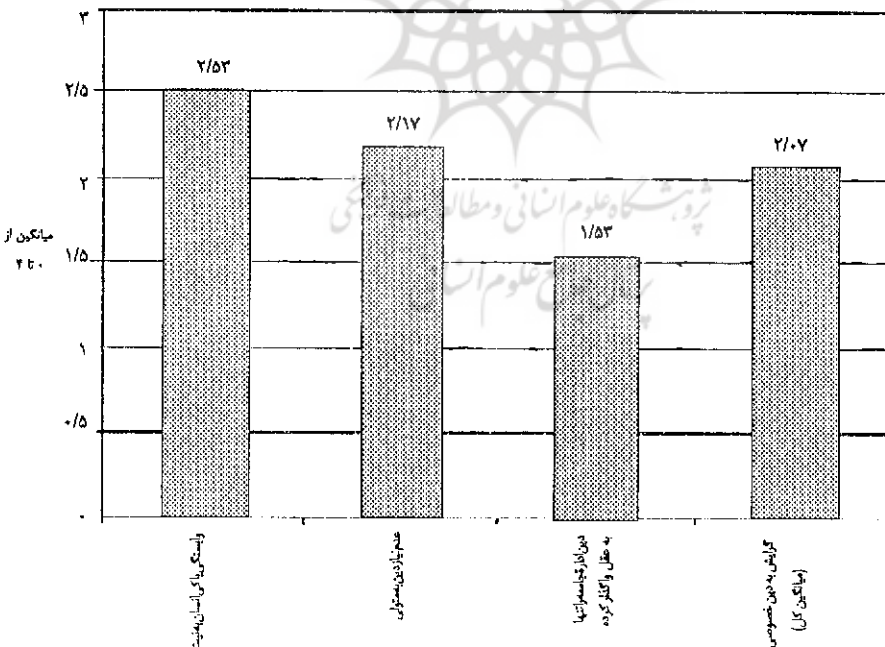
نمودار شماره ۲. مناسک فردی



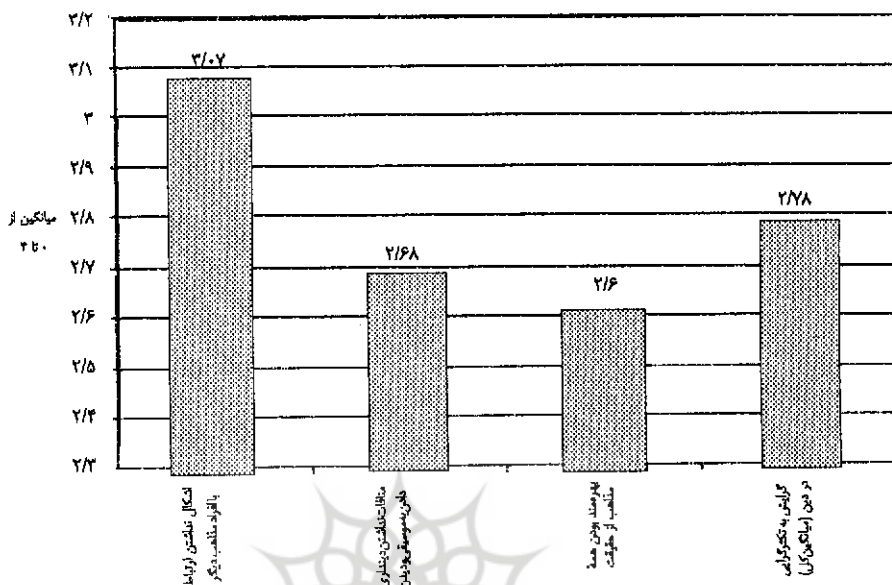
نمودار شماره ۳. مناسک جمعی

در مورد گرایش‌های دینی دانشجویان، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گرایش دانشجویان به دین خصوصی و برخورد گزینشی با دین از نمودار نرمال تبعیت می‌کند، یعنی ۴۳ درصد از دانشجویان به میزان متوسط، ۳۱ درصد به میزان کم و ۲۶ درصد با میزان زیاد گرایش به دین خصوصی دارند (میانگین ۲/۰۷ از ۴). به بیان دیگر ۴۱ درصد دانشجویان معتقدند که «دین یک امر شخصی است و نیازی به متولی ندارد» و تنها ۳۴ درصد با این گزاره ابراز مخالفت کرده‌اند. همچنین ۵۰ درصد از دانشجویان به میزان متوسط، ۲۹ درصد به میزان کم و ۲۱ درصد به میزان زیاد برخورد گزینشی با دین دارند (میانگین ۱/۹۸ از ۴). به بیان دیگر، ۴۲ درصد دانشجویان اعلان کرده‌اند که «آن بخش از احکام شرعی را که برایم موجه نیست و دلیل انجام دادن آن را نمی‌دانم انجام نمی‌دهم» و ۳۳ درصد با آن مخالفت کرده‌اند. همچنین ۳۴ درصد از دانشجویان اعلان کرده‌اند که «هرکدام از آموزه‌ها و باورهای دینی که با عقل انسان امروزی سازگاری ندارد باید کنار گذاشته شود» و ۳۹ درصد با این گزاره ابراز مخالفت کرده‌اند.

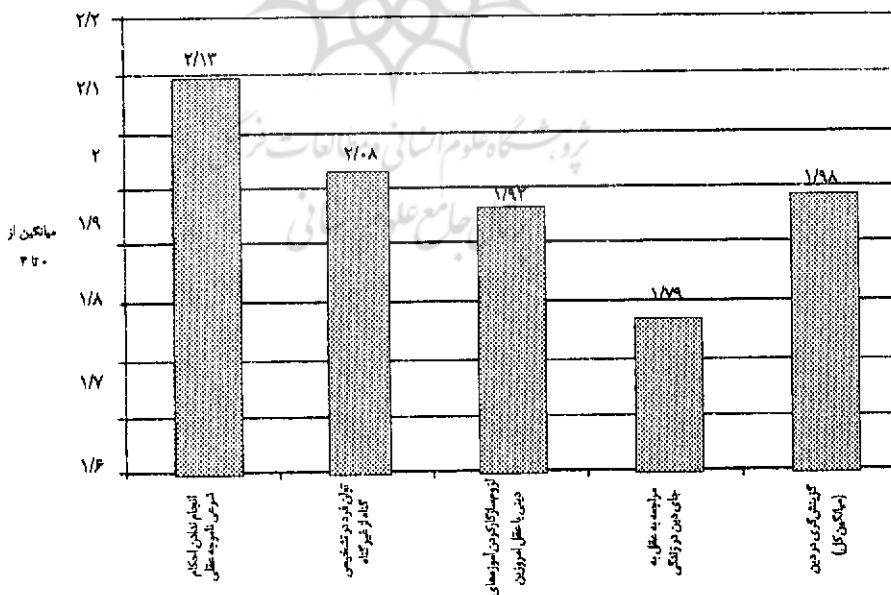
تکثرگرایی در دین در بین دانشجویان در حد بالایی ارزیابی می‌شود (میانگین ۲/۷۸ از ۴). یعنی ۵۵ درصد از دانشجویان گرایش زیاد، ۳۴ درصد گرایش متوسط و ۱۱ درصد گرایش کم به تکثرگرایی در دین دارند که می‌توان گفت این امر حاکی از رواج نسبتاً گسترده تساهل و تسامح



نمودار شماره ۴. گرایش به دین خصوصی



نمودار شماره ۵. گرایش به تکثرگرایی در دین



نمودار شماره ۶. گرایش به گزینش‌گری در دین

دینی در بین دانشجویان است. به طوری که به عنوان مثال ۵۸ درصد دانشجویان بر این باورند که «تنها حقیقت اهمیت دارد و فرقی نمی‌کند که فرد کدام دین و مذهب را برای رسیدن به آن انتخاب کند» یا ۶۷ درصد دانشجویان هیچ منافاتی بین دینداری و گوش دادن به انواع موسیقی و دیدن انواع فیلم‌ها نمی‌بینند. مشاهدات در دانشگاه نیز مؤید این داده‌هاست، به طوری که بخش قابل توجهی از دانشجویان در نوع پوشش و آرایش صورت و روابط با جنس مخالف محدودیت‌های شرعی را رعایت نمی‌کنند.

تفاوت‌های گروه‌های دانشجویان از نظر دینداری و گرایش‌های دینی

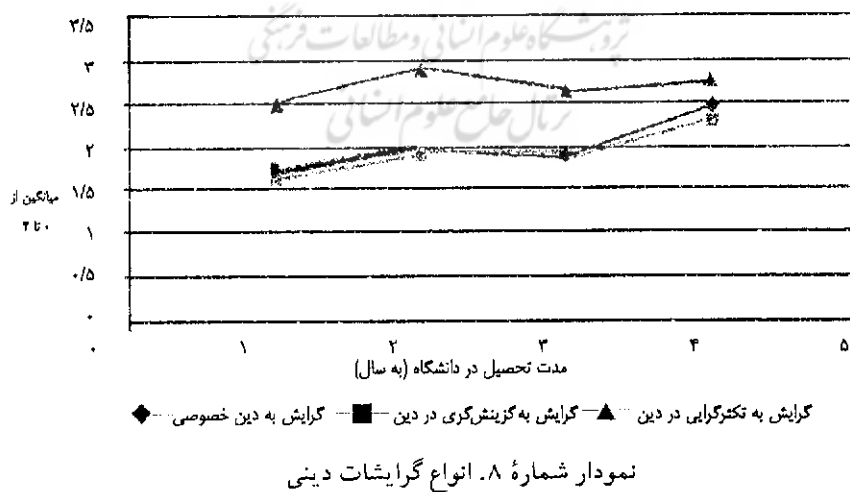
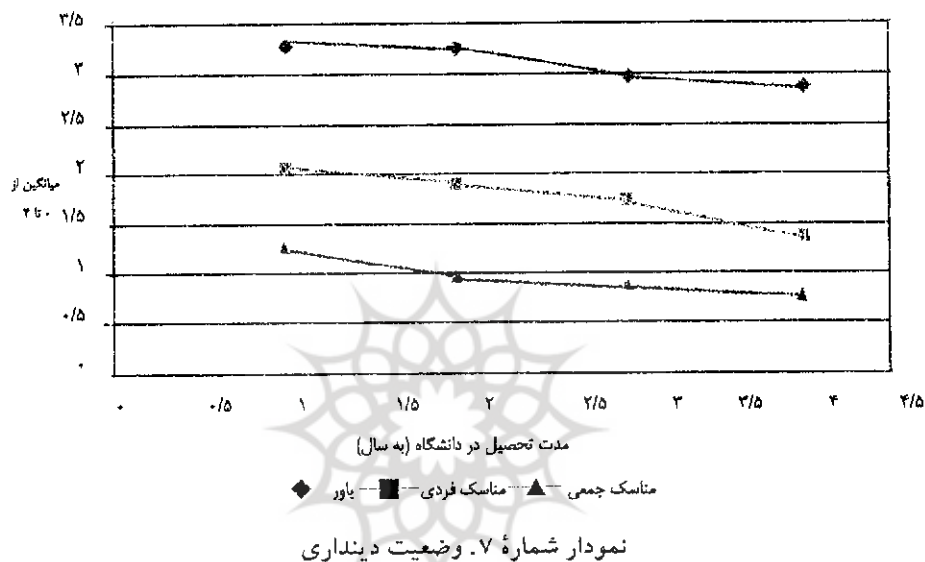
تحلیل همبستگی بین متغیرها حاکی از آن است که متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و محل تولد دانشجویان (تهرانی یا شهرستانی بودن) تأثیری بر سطح دینداری و نوع گرایش دینی آن‌ها ندارد، اما جنسیت آن‌ها بر این متغیرها اثر دارد، به طوری که باور دینی و پایبندی به اعمال فردی در بین دانشجویان دختر بیش از دانشجویان پسر است (جدول شماره ۲). همچنین در حالی که تفاوتی بین میزان گرایش دختران و پسران دانشجویان به تکثرگرایی در دین وجود ندارد، اما گرایش دختران به دین خصوصی و برخورد گزینشی با دین در بین آن‌ها کمتر از پسران است (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. مقایسه میانگین نمرات دانشجویان دختر و پسر در متغیرهای مختلف

t	Sig	پسران (میانگین)	دختران (میانگین)	
۲/۳۸	۰/۰۱۸	۱۵/۵	۱۶/۵	باور دینی
۳/۳	۰/۰۰۱	۸/۱	۹/۸	مناسک فردی
۰/۱۶۶	۰/۵۰۸	۴	۳/۷	مناسک جمعی
۲/۱۸	۰/۰۳	۶/۵	۵/۷	گرایش به دین خصوصی
۲	۰/۰۴۵	۸/۲	۷/۴	برخورد گزینشی با دین
۱/۸	۰/۰۷۶	۸/۶	۸	گرایش به تکثرگرایی در دین

ترم تحصیلی یا سال ورود به دانشگاه نیز یکی از متغیرهای مؤثر بر میزان دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان است. مقایسه پایبندی دانشجویان ترم‌های ۸ تا ۱۲ (در مقطع کارشناسی) به اعمال فردی و جمعی دین با دانشجویان سال اول روند رو به کاهش این میزان

پایندی را از سال اول تا سال چهارم نشان می‌دهد (نمودار شماره ۷). همچنین گرایش دانشجویان به دین خصوصی و تکثرگرایی در دین و برخورد گزینشی با دین از سال اول تا سال چهارم روند رو با افزایشی را نشان می‌دهد، هرچند دانشجویان سال سومی در این بین اندکی متفاوت عمل می‌کنند (نمودار شماره ۸).



نتیجه‌گیری و جمع‌بندی:

مطابق با چارچوب نظری این پژوهش، همزمان با توسعه نهاد‌های مدرن در جامعه ایران زیست‌جهان‌های اجتماعی متعددی نیز در جامعه ظهور یافته و به این ترتیب بخش‌های مختلف جامعه در سیطره زیست‌جهان‌های ایجاد شده در آمده است. در این وضعیت دین از جای دادن همه این زیست‌جهان‌ها در درون کلیت نمادین خود تا حدی باز مانده است و جامعه به نوعی با پدیده چندگانه شدن زیست‌جهان‌ها مواجه شده است. اولین پیامد این وضعیت متکثر برای حوزه دین خصوصی شدن آن بوده است. در این وضعیت عرصه عمومی تا حدی به دست عقاید و ایدئولوژی‌های مدنی‌ای درآمده که یا فاقد محتوای دینی‌اند یا غالباً اشاره‌ای مبهم به دین دارند. تعاریف دین از واقعیت (باورهای دینی) نیز در نبود تأیید دائمی اجتماعی و عمومی تا حدی خصلت قطعی خود را از دست داده‌اند و به موضوعاتی «انتخابی» بدل شده‌اند. در این شرایط در سطح آگاهی افراد انواع گرایش‌های دینی ظهور یافته و تساهل و تسامح نسبت به دیدگاه‌ها و نگرش‌های رقیب افزایش یافته است و دینداران به خود اجازه می‌دهند برخی از اعمال و حتی آموزه‌ها و باورهای دینی را مورد بازنگری و تشکیک قرار دهند. همزمان با ورود عنصر «ترجیح» و «گزینش‌گری» در باورهای دینی افراد، در عرصه عمومی جامعه نیز تفاسیر مختلف از دین در قالب جریان‌های مختلف فکری و اجتماعی ظهور یافته است.

در دانشگاه صنعتی امیرکبیر که در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفته است به نظر می‌رسد که هم در سطح آگاهی دانشجویان انواع گرایش‌های دینی ظهور یافته، و هم در سطح اجتماعی رویکردهای مختلف به دین تا حدی ظهور یافته است. مطابق نتایج این مطالعه، هرچند باورهای دینی دانشجویان کمتر دستخوش تغییر شده است، به طوری که همچنان باورهای دینی دانشجویان در سطح بالایی ارزیابی می‌شود، اما نوع نگرش دانشجویان به اعمال فردی و به‌ویژه به اعمال جمعی دین در حال تغییر است. به طوری که بخش قابل توجهی از دانشجویان اصلاً مناسب فردی و جمعی دین را انجام نمی‌دهند. (۱۳/۷) گفته‌اند که اعمال فردی دینی را اصلاً به‌جا نمی‌آورند و ۲۹ درصد گفته‌اند که اعمال جمعی دین را اصلاً انجام نمی‌دهند. به‌علاوه، برخورد گزینشی با دین در بین دانشجویان رواج زیادی دارد، این امر به‌ویژه در مورد احکام شرعی دین مصداق بیشتری دارد. به‌عنوان مثال، ۴۲ درصد پاسخ‌گویان اعلان کرده‌اند که آن بخش از احکام شرعی را که برایم موجه نیست و دلیل انجام دادن آن را نمی‌دانم انجام نمی‌دهم، و ۳۴ درصد هم اعلان کرده‌اند که هر کدام از آموزه‌ها و باورهای دینی که با عقل انسان امروزی سازگاری ندارد باید کنار گذاشته شود.

نکته قابل توجه این است که هم پابندی به اعمال فردی و جمعی دین در بین دانشجویان ترم‌های بالاتر نسبت به دانشجویان ترم‌های پایین‌تر دانشگاه کمتر است و هم گرایش آن‌ها به دین خصوصی، تکرگرای در دین و برخورد گزینشی با دین نسبت به دانشجویان ترم‌های پایین‌تر بیشتر است.

مروری کوتاه بر عناوین، رویکردها (ی مطرح شده در اساسنامه‌ها) و برنامه‌های تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه امیرکبیر هم نشان از ظهور انواع گرایش‌های دینی در سطح اجتماعی دانشگاه دارد. به طوری که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تشکل‌ها و کانون‌های مذهبی، و تشکل‌ها و کانون‌های عرفی (سکولار) تقسیم کرد. در دانشگاه امیرکبیر، علاوه بر بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی، کانون اندیشه دانشجویی مسلمان (که مطابق آیین‌نامه تشکل‌های اسلامی در دانشگاه‌ها به وجود آمده است) و کانون‌های فرهنگی هنری (که آیین‌نامه‌ای مستقل دارند که در سال ۱۳۷۸ در وزارت علوم به تصویب رسیده است) مشغول فعالیت هستند. این کانون‌ها عبارتند از کانون تئاتر، ادبی، موسیقی، قرآن، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، کتاب و کتابخوانی، فیلم و عکس، گفت‌وگو، انتظار، ایران‌شناسی، هنرهای تجسمی. همچنین در درون هر یک از دانشکده‌ها شورای صنفی و انجمن علمی مخصوص آن دانشکده وجود دارد.

صرف نظر از شوراهای صنفی و انجمن‌های علمی دانشکده‌ها و کانون‌هایی چون کانون موسیقی، ایران‌گردی، هنرهای تجسمی را که رویکردی صنفی یا علمی دارند بقیه کانون‌ها را می‌توان به دو دسته کانون‌های مذهبی و عرفی تقسیم کرد. به این ترتیب بسیج دانشجویی، کانون قرآن، کانون اندیشه دانشجویی مسلمان، کانون انتظار، کانون مطالعات و تحقیقات فرهنگی دارای رویکرد و هویت دینی هستند (یعنی هم خودشان و هم دیگر دانشجویان آن‌ها را به عنوان کانون‌ها و تشکل‌های مذهبی می‌شناسند و در اساسنامه و برنامه‌های خود دغدغه‌های مذهبی را دنبال می‌کنند). کانون‌های گفت‌وگو، کتاب و کتابخوانی، فیلم و عکس و کانون ادبی هم دارای رویکرد و هویت عرفی هستند (یعنی هم در اساسنامه‌های آن‌ها و هم در برنامه‌های آن‌ها دغدغه‌های مذهبی کم‌رنگ‌تر است).

با این حال، کانون‌ها و تشکل‌های مذهبی هم از همگونی و یکدستی کامل برخوردار نیستند به طوری که می‌توان سه گرایش یا رویکرد نسبت به دین را در میان اعضای آن‌ها مشاهده کرد. رویکرد نخست که عمدتاً در کانون انتظار (حج و زیارت پیشین) متجلی شده است، رویکرد معنویت‌گرا است که هدف خود را «معنویت‌بخشی به محیط علمی دانشگاه» قرار داده است و بر برگزاری ادعیه و زیارات، عزاداری‌های مذهبی، سفرهای زیارتی و... تأکید فراوانی دارند. رویکرد دوم رویکرد عقلانی و روشنفکرانه به دین است که در کانون مطالعات و تحقیقات فرهنگی،

کانون قرآن و بخشی از فعالیت‌های کانون اندیشه دانشجوی مسلمان متجلی شده است. برگزاری جلسات نقد و گفت‌وگو در مورد مسائل و متون دینی و دعوت از روشنفکران دینی از اهم فعالیت‌های مربوط به این رویکرد است. این دسته از دانشجویان هرچند دغدغه‌هایی در رابطه با حضور دین در اجتماع دارند، اما لزوماً بر حضور اجتماعی دین، آن‌گونه که در حال حاضر در ایران محقق شده، باور ندارند و به دنبال بازتعریف این حضور هستند. رویکرد سوم رویکرد سیاسی به دین است که عمده‌تاً در برنامه‌های کانون اندیشه دانشجوی مسلمان، بسیج دانشجویی و بخشی از برنامه‌های نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه^۱ تجلی یافته است. این دسته از دانشجویان عمده‌تاً مدافع سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و تفسیر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران از دین هستند.^۲

این نتایج با نتایج پژوهش‌های دیگر صورت گرفته در این حوزه همخوانی زیادی دارد. تقریباً همه پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از آن است که باور دینی دانشجویان در حد بالایی قرار دارد (میرسندسی، ۱۳۸۳) و پایداری آن‌ها به اعمال فردی دینی در حد قابل قبولی قرار دارد. اما پایداری آن‌ها به اعمال جمعی دینی در حد کم است. سراج‌زاده (۱۳۸۰) در پژوهش خود بر روی دانشجویان کل کشور نشان داده که میزان دینداری دانشجویان فنی مهندسی ۸ درصد کمتر از دیگر دانشجویان است که این تفاوت را می‌توان تأثیرپذیری بیشتر دانشجویان فنی مهندسی از آگاهی مدرن دانست. همچنین وجود گرایش‌های متعدد دینی در بین دانشجویان در تعدادی از پژوهش‌ها مسود تأیید قرار گرفته است (رجب‌زاده، ۱۳۷۹؛ علی‌زاده شالدهی، ۱۳۸۰؛ اسماعیلی، ۱۳۷۹).

بنابراین می‌توان گفت رگه‌ها و جوانه‌هایی از خصوصی شدن، گزینش‌گری، و تکثرگرایی در دینداری دانشجویان (در جامعه آماری این تحقیق) به وجود آمده است. این رگه‌ها تا حدی باورهای دینی دانشجویان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به ویژه در مواردی که علم حرف بیشتری برای گفتن داشته باشد (مثلاً، تبیین و کنترل پدیده‌ها و بلاهای طبیعی) دانشجویان کمتر به آموزه‌های دینی توجه دارند. اما بیش از هر چیز دانشجویان به باز تعریف کردن بعد اجتماعی دین پرداخته‌اند. حاصل این بازتعریف به صورت تلقی دین به عنوان امری کاملاً فردی و خصوصی تا تأکید بر ابعاد دیگر اجتماعی دین و حتی تأکید بر حضور همه جانبه دین در اجتماع ظاهر شده است. اما نکته مهم و جالب توجه در این است که محصولات این بازتعریف‌ها و

۱. حضور معاونت سیاسی در دفتر نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها نشانگر این رویکرد است.
 ۲. «ترویج اسلام ناب محمدی در سایه اندیشه‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی» یکی از اهداف تأسیس کانون اندیشه دانشجوی مسلمان است.

به‌ویژه باور به‌خصوصی بودن دین و تکثرگرایی دینی شکل نهادینه و ساختاری (در قالب شکل‌های دانشجویی) به خود یافته است. هر چند این ساختارها هنوز جوانه‌هایی بیش نیستند اما روند رو به رشد آن‌ها مشهود است.

منابع

- برگر، پیتر و تامس لاکمن (۱۳۷۵) ساخت اجتماعی واقعیت؛ رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ و بریجیت برگر و هانسفرید کلنر (۱۳۸۱) ذهن بی‌خانمان؛ آگاهی و نوسازی، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- _____ و... (۱۳۸۰) افول سکولاریسم، ترجمه امیر افشاری، تهران: نشر پنگان.
- _____ (۱۳۸۳)، برخلاف جریان، ترجمه سید حسین سراج‌زاده در چالش‌های دین و مدرنیته، تهران: طرح نو.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سخن.
- _____ (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی دین، تهران: انتشارات سمت.
- حسینی هاشم‌زاده، داوود (۱۳۷۹) بررسی فرهنگ سیاسی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جلیلی، هادی (۱۳۸۳) تأملاتی جامعه‌شناسانه درباره سکولار شدن، تهران: طرح نو.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۸۳) صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۷۸) نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی، نمایه پژوهش، شماره ۹-۱۰.
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۸۳) «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، چالش‌های دین و مدرنیته، تهران، طرح نو.
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۸۲) نگرش‌ها و رفتار دانشجویان؛ خلاصه یافته‌های یک طرح پژوهشی، تهران: پدیده‌گو تمبرگ.
- شاینر، لاری (۱۳۸۳) مفهوم سکولار شدن در پژوهش‌های تجربی، ترجمه سید حسین سراج‌زاده، در چالش‌های دین و مدرنیته، تهران: طرح نو.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۰) دین، جامعه، عرفی شدن؛ جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران: نشر مرکز.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴) مدلی برای سنجش دینداری در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۹) دانشگاه، دین، سیاست، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

- علیزاده، رضا (۱۳۸۳) *عوامل مؤثر بر عرفی شدن دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- علیزاده شالدهی، اسماعیل (۱۳۸۰) *رویکرد دینی و فرهنگ سیاسی دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مرجایی، سید هادی (۱۳۷۹) *بررسی ایمان دینی و دین‌گرایی دانشجویان دانشگاه تهران*، گزارش پژوهشی جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- میرسندسی، سید محمد (۱۳۸۳) *مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- مهدوی، مهدی (۱۳۸۳) *سنجش دینداری کاربران اینترنتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- وریج کاظمی، عباس و مهدی فرجی (۱۳۸۲) *عرفی شدن و زندگی روزمره*، نامه علوم اجتماعی، شماره پیاپی ۲۲.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تبیان.
- *ویژه‌نامه معرفی کانون‌های فرهنگی* - هنری دانشگاه امیرکبیر (۱۳۸۲) *ویژه‌رودهای ۸۲*
- *ویژه‌نامه معرفی کانون‌های فرهنگی* - هنری دانشگاه امیرکبیر (۱۳۸۳) *ویژه‌جشنواره کانون‌ها*
- *آیین‌نامه‌های تشکیل‌های اسلامی و کانون‌های فرهنگی* - هنری دانشگاه امیرکبیر
- *نشریات دانشجویی دانشگاه امیرکبیر*
- Berger, Peter L. (1967) *Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*, Anchor Books/ Doubleday.
- _____ (1980) *From Secularity to World Religions*, Christian Century, No 16.
- _____ (2001) *Reflections on the Sociology of Religion Today*, www.findartiel s.com.
- _____ (2001) *Postscript*, in Peter Berger and the Study of Religion, Edited by Linda Woodhead, London and New York: Rutledge.
- Bruce, Steve (2001), *the curious case of the unnecessary recantation: berger and secularization*, in Peter Berger and the Study of Religion, Edited by Linda Woodhead, London and New York: Rutledge.
- Hervieu-leger, Daniele (2001) "The Twofold Limit of the Notion of Secularization", in *Peter Berger and the Study of Religion*, Edited by Linda Woodhead, London and New York: Rutledge.
- Woodhead, Linda (ed.) (2001) *Peter Berger and the Study of Religion*, London and New York: Rutledge.

غلامعباس توسلی عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است. ابوالفضل مرشدی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی است و در حال حاضر در مرکز تحقیقات سیاست

ab.morshedi@gmail.com

علمی کشور مشغول به کار است.
این مقاله برگرفته از پایان‌نامهٔ مقطع کارشناسی ارشد اینجانب با عنوان «چندگانه شدن زیست جهان دانشجویان و نسبت آن با عرفی شدن آن‌ها» است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی